روزنامه شرق

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴
۳۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۲۱ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۸۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

باشگاه تراکتور بیانیه داد و توهین به باقری را محکوم کرد

حمایت قاطع جامعه فوتبال از کریم باقری

۹

در «شرق» امروز می‌خوانید: نماینده مجلس: اعطای اقامت بی‌ضابطه به اتباع خارجی دروغ محض است • پیروزی یخچال بر تلویزیون/ سیدعلی طباطبایی • زنان در محاصره تحریم و سکوت جهانی/ نیروانا مهرآیین

گزارش میدانی و تحلیلی «شرق» از خریدهای شب‌نشینی «یلدا» و سنت‌هایی که به هر قیمتی با اصرار مردم، در حال برگزاری است

یلدا در روزگار گرانی

پرونده

این پرونده را در صفحات ۴،۸ و ۱۰ خوانید

وداع با اشرف بروجردی؛ فعال سیاسی که سیاست فرهنگ و حافظه تاریخی ایران را به هم پیوند زد

زنی که در تاریخ ماند نه در حاشیه

این پرونده را در صفحات ۲ و ۱۲ بخوانید. عکس: سپند ناگی، شرق

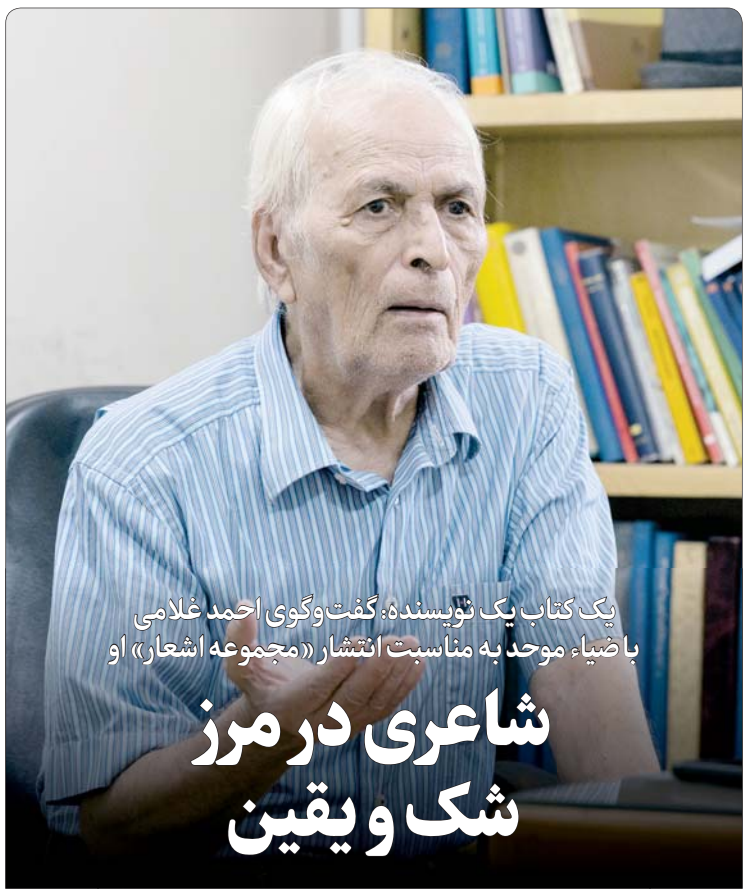

یک کتاب یک نویسنده: گفت‌وگوی احمد غلامی با ضیاء موحد به مناسبت انتشار «مجموعه اشعار» او

شاعری در مرز شک و یقین

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: عباس کوثری، شرق

سرمقاله

انقراض اجتماعی قدرت سیاسی

کیومرث اشتریان

جامعه متکثر ایرانی را شاید نتوان با هیچ جامعه دیگری مقایسه کرد. نه تکثر یک لیبرالیسم اباحه‌گرای کامل را می‌پذیرد و نه یک فضای بسیار بسته مانند کره شمالی یا چین را. در هر صورت این جامعه تحصیل‌کرده اقتضای ویژه خویش را می‌طلبد و نیازمند آن است که قدرت سیاسی همواره از دل آن بجوشد؛ یعنی سازوکارهای نهادی تعبیه شود که نوبه‌نو قدرت سیاسی را تغذیه کند. در غیر این صورت سیاست و سیاست‌ورزی دچار انقراض اجتماعی می‌شود. تاریخ ایران از مغولان تا همین امروز نشان می‌دهد که اگر ارتباط قدرت سیاسی با بدنه اجتماعی قطع شود، زمینه انقراض اجتماعی دولت فراهم می‌آید؛ هر دو برای یکدیگر در نقطه کور بی‌معنایی قرار می‌گیرند. قدرت سیاسی آن‌چنان غرق در موضوعات و دغدغه‌های خرد و کلان می‌شود که ارتباط خود را با بدنه اجتماعی از دست می‌دهد. آنان که حاملان اصلی آرمان‌ها و حیثیت حکومت‌ها بوده‌اند، به اشکال گوناگونی از آن فاصله می‌گیرند و کشتی آرمان‌های‌شان در دریایی از سرمایه‌داری رانتی (معدن سنگ و مخزن نفت و باغ وقف) به گِل می‌نشیند. بندر سیاست به باراندازی بی‌هویت تبدیل می‌شود. گسست اساسی بین جامعه و سیاست سبب می‌شود تا قدرت سیاسی حتی از درک الزامات پایداری خود نیز عاجز شود.

جامعه سیاسی (و نه اجتماع) سرچشمه اصلی و طبیعی پدیدآمدن قدرت است. آن‌گاه که این سرچشمه دچار دگردیسی شود و جامعه فاقد سرمایه سیاسی پایداری از احزاب نام‌ونشان‌دار، نوعی «دلالی سیاسی بی‌هویت» تبدیل به سرچشمه قدرت می‌شود. در نتیجه دیگر چیزی به نام «جامعه سیاسی» وجود نخواهد داشت. جامعه مجموعه‌ای از تشکیلات اجتماعی است که سیاست‌ورزی معناداری را فراهم می‌کنند. در غیاب چنین تشکیلاتی، انقراض اجتماعی قدرت سیاسی پدید می‌آید و «اجتماع» راه سرگردان خود را در ماراتنی همگانی در پیش می‌گیرد تا هویتی سیاسی برای خود دست‌وپا کند.

از سوی دیگر و هم‌راستا با انقراض اجتماعی، بحران‌های گوناگون برای حکومت‌ها حلقه‌های وفاداری سنتی را به‌جای سازوکارهای مدنی می‌نشاند و آنها را به پشتوانه قدرت سیاسی تبدیل می‌کند. این حلقه‌های وفاداری که اساسا فاقد مهارت‌های اقتصادی، فنی و صنعتی هستند، «سازمان دولت-حکومت» را از مفهوم و کارکرد اساسی خود به‌مثابه سازمان میانجی، تسهیلگر و اداره‌کننده قدرت خارج می‌کنند و به رانت‌جویی، حامی‌پروری و تولید ثروت غیرمولد روی می‌آورند. به‌تدریج حلقه‌های رانتی ثانوی پیرامون اینان شکل می‌گیرد تا از «مشروعیت وفادارانه» آنان بهره‌برداری کنند. این‌گونه و به طریقی متناقض‌نما همین «حلقه‌های رانتی ثانوی» به موتور محرکه «کودتای پنهان اقتصادی» علیه آرمان‌های نخستین تبدیل می‌شوند. همین رخداد در درون اجتماع و گروه‌های سیاسی نیز رخ می‌دهد. وسوسه کارکردهای سیاسی، اداری و... مشابه در درون ساختار شکل می‌گیرد و «سازمان دولت-حکومت» را از کارکردهای فنی خود تهی می‌کند. نظام سیاسی دچار «خود وانهادگی» می‌شود و سرکشی «درون‌ساختاری» از سوی گروه‌های گوناگون برای تسخیر نهادی دامن زده می‌شود. گروه‌های بی‌نام‌ونشان اعم از آنکه در نهادهای اداری، سیاسی، نظامی، امنیتی یا اقتصادی باشند، وسوسه می‌شوند تا «سازمان دولت-حکومت» را تسخیر کنند؛ و می‌کنند. هرچه نهادها از ظرفیت پنهان‌کاری و فقدان نظارت عمومی بیشتری برخوردار باشند، از ظرفیت بالاتری برای تسخیر برخوردارند. در این میان، اگرچه قوه مجریه به دلیل ماهیت بوروکراتیک و مدنی ظرفیت کمتری برای خودسری نهادی دارد اما این سبب نمی‌شود که در معرض ربایش (hijack) نباشد و مدیرانش مدعی آن نباشند که «ما مغز حاکمیت هستیم؛ نه چشم حاکمیت، نه دست حاکمیت، نه گوش حاکمیت».

این پدیده در دموکراسی‌های مدرن مانند انگلستان و آمریکا نیز مشاهده می‌شود و کارشناسان و مدیران دستگاه‌های حاکمیتی با توجه به برتری فن‌سالارانه یا امنیتی که بر شخصیت‌های سیاسی دارند، اینان را دور می‌زنند. قدرت دیوانی-امنیتی بر قدرت سیاسی حکم می‌راند. نیروهای امنیتی در دموکراسی‌ها به دلیل نفوذ گسترده‌ای که دارند، تصمیمات اساسی را هدایت می‌کنند؛ به‌ویژه در سیاست خارجی، کشورهای کوچک و ثروتمند (مانند برخی از همسایگان ما) را به صورت کامل در اختیار می‌گیرند.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

داستان غم‌انگیز برنج

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

شرایط خاص اقتصادی در چند سال گذشته، برنج وارداتی را به یکی از اقلام مهم کالاهای مصرفی خانوارهای کمتر مرفه جامعه مبدل کرده است. به همین دلیل غیب‌شدن این کالا از بازار در چند هفته گذشته، گروه بزرگی از جامعه مصرف‌کنندگان را نگران کرده؛ زیرا این غیبت به معنی عرضه با قیمت بالاتر در روزهای آینده است. چندی پیش وزیر جهاد کشاورزی به انتقاد از واردکنندگان کالاهای اساسی زبان گشود که هرچند کالا را با ارز ترجیحی وارد کرده‌اند، اما حاضر به پذیرش نظارت دولتی در مرحله توزیع نیستند. معنای این نپذیرفتن، این است که آنان می‌خواهند بخش بیشتری از کالای وارداتی را در بازار آزاد و به قیمت روز بفروشند. در مقابل، واردکنندگان مدعی هستند دولت هرچند تعهدات خود در امر تخصیص ارز ترجیحی را به‌خوبی انجام نمی‌دهد، اما با نظارت و مداخله خود کار را خراب می‌کند. از سوی دیگر، برخی آگاهان می‌گویند برنج پاکستانی با دلار ترجیحی ۲۸هزارو ۵۰۰ تومانی زیر کیلویی ۴۰ هزار تومان برای واردکنندگان تمام می‌شود، اما آنها انتظار دارند دولت اجازه فروش این محصول را با قیمت ۲۰۰ هزار تومان صادر کند! و در نهایت، جمعی دیگر ادعا می‌کنند که حاضرند این کالا را با ارز آزاد خریداری کرده و با قیمتی به‌مراتب کمتر از آنچه واردکنندگان با ارز ترجیحی مطالبه می‌کنند، در اختیار مصرف‌کنندگان بگذارند. به بیان دیگر واردات این کالا با ارز آزاد ارزان‌تر از واردات با ارز ترجیحی تمام می‌شود! جل‌الخالق! با کنار هم چیدن گزاره‌های بالا می‌توان تصویر روشنی از وضعیت موجود اقتصاد ملی و مناسبات حاکم بر آن تهیه کرد که در زیر به بیان چند نکته مرتبط با آن می‌پردازم:

۱- بازار کالاهای اساسی به طرز محسوسی به سمت انحصاری‌شدن پیش رفته است. بهترین شاهد این مدعا این است که واردکنندگان به صورت هماهنگ از توزیع کالا خودداری می‌کنند. هدف آنان کسب سود بالاتر به دور از نظارت و دخالت دولتی است. در بازار رقابتی این سطح از هماهنگی و هم‌گرایی به‌سختی یافت می‌شود.

۲- این وضعیت انحصاری سابقه طولانی ندارد. در مقاطع ۱۰، ۲۰ و ۳۰ سال گذشته، چنین انحصار قدرتمندی وجود نداشته و به‌تدریج شکل گرفته است. سلطان‌هایی که اینک با اقتدار تمام در این بازار مهم و سرنوشت‌ساز فرمان می‌رانند، در گذشته نه‌چندان دور یا اصلا در بازار حضور نداشتند یا سهم‌شان از بازار در چنین سطحی نبود. این به آن معناست که سیاست‌های نسنجیده دولت‌ها و سوءمدیریت بلندمدت موجب قدرت‌گرفتن شبکه انحصاری شده است.

۳- دولت در چند دهه گذشته با هدف عرضه کالاهای اساسی با قیمت پایین و حمایت از اقشار کم‌درآمد بخشی از منابع ارزی خود را هزینه کرده، اما وضعیت امروز جامعه نشان می‌دهد که در نبود یک نظام نظارتی کارآمد، بخش مهم این منابع به نام مصرف‌کنندگان ولی به کام انحصارگران صرف شده است.

۴ - تفاوت فاحش قیمت جهانی کالاهای وارداتی با قیمت در بازار داخل مدت‌هاست توجه کارشناسان و اصحاب رسانه را به خود جلب کرده است. گفته می‌شود قیمت فلان خودرو در بازار کشورهای همسایه از یک‌سوم قیمت آن در بازار داخلی هم کمتر است! یعنی مصرف‌کننده ایرانی بر سر یک دوراهی است: یا باید خودروی داخلی را گران بخرد یا خودروی وارداتی را گران‌تر! انتخاب با خود او است.

حال مشاهده می‌شود در شرایطی که تولیدکننده پاکستانی برنج را کیلویی ۴۰ هزار تومان فروخته، مصرف‌کننده ایرانی باید برای خرید آن ۲۰۰ هزار تومان بپردازد؛ که البته در این قیمت هم انحصارگران راضی به عرضه نیستند و لابد قیمت بالاتر مطالبه می‌کنند.

۵- همیشه اختلاف قیمت یک کالا در دو سوی مرز منجر به شکل‌گیری و گسترش فعالیت قاچاق می‌شود؛ همان‌گونه که اختلاف قیمت حامل‌های انرژی در داخل کشور و کشورهای همسایه، پدیده قاچاق سوخت را دامن زده است. اما به‌راستی چرا اختلاف قیمت برنج منجر به رشد قاچاق این کالا نشده است؟ علت را باید در قدرت تعیین‌کننده انحصارگران جست‌وجو کرد که رقبا را چه کوچک باشند و چه بزرگ، از ورود به بازار بازمی‌دارد.

۶- قدرت انحصاری با بنیه مالی بالا در هر حوزه‌ای از اقتصاد که ظاهر شود، در اولین فرصت تلاش خواهد کرد با نفوذ در ساختار تصمیم‌سازی و حتی تصمیم‌گیری منافع خود را حداکثر کند. این به معنی اصرار بر سیاست‌های ناکارآمد گذشته و پرهیز از هرگونه تغییر تهدیدکننده منافع قدرت انحصاری است. سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی و در کنار آن بی‌اعتنایی به افزایش درجه کارآمدی نظام نظارتی دقیقا همان خواسته قدرت انحصاری بوده که در سال‌های گذشته بی‌کم‌وکاست اجرا شده است.

۷- شرایط دشوار اقتصادی امروز ایجاب می‌کند دولت برای حمایت از اقشار کم‌درآمد برنامه جامعی تدوین و اجرا کند که طبعا تخصیص ارز ارزان‌قیمت یکی از سیاست‌های این برنامه خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۰

چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ از رؤیای مشترک تا فقدان افق

روزبه کردونی
سیاست‌پژوه

۲۰ سال پیش، ایران فقط یک «سند» نداشت؛ یک افق معنابخش داشت. چشم‌انداز ۱۴۰۴ تلاشی بود برای آنکه آینده صرفا امتداد مکانیکی امروز نباشد، بلکه مقصدی باشد که اکنون را تحمل‌پذیر و تصمیم را قابل توجیه کند. جامعه‌ای که می‌داند به کجا می‌خواهد برسد، حتی در سختی‌ها، معنای حرکت را از دست نمی‌دهد. آنچه در آن مقطع اهمیت داشت، نه تحقق کامل اهداف، بلکه وجود رؤیا بود؛ رؤیایی که هم برای نظام حکمرانی قابل تصور بود و هم برای افکار عمومی قابل فهم و باور. چشم‌انداز ۱۴۰۴ یک «قرار جمعی» بود؛ قراردادی نانوشته میان دولت و جامعه درباره اینکه کشور قرار است به کدام سمت حرکت کند. امروز اما در خودِ سال ۱۴۰۴ ایستاده‌ایم و با وضعیتی متناقض روبه‌رو هستیم. نه‌تنها بسیاری از اهداف محقق نشده‌اند، بلکه مهم‌تر از آن، افق آینده از گفتار رسمی و ذهن جمعی حذف شده است. ما نه در حال گفت‌وگو درباره آینده‌ای مشترک هستیم و نه حتی درباره رؤیایی که بتواند اختلاف‌ها را درون یک چارچوب واحد نگه دارد. فقر یا رفاه، مسائلی مهم هستند؛ اما مسئله‌ای بنیادی‌تر نیز وجود دارد: فقدان «تصویر آینده». سیاست‌ها بیشتر واکنشی‌اند تا جهت‌دار، گفتار رسمی بیش از آنکه معطوف به ساختن فردا باشد، توصیف امروز است و جامعه به‌جای «امید به ساختن» به «عادت به دوام آوردن» خو گرفته است. این یادداشت قصد ندارد فهرستی از دلایل عدم تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ ارائه دهد و بنا هم ندارد وارد بحث‌های پرمناقشه درباره فقر، نابرابری یا ناکامی‌های سیاستی شود، بلکه تاکید می‌کند که مسئله اصلی، فقدان افق است. کشوری که رؤیا ندارد، حتی اگر منابع داشته باشد، فرسوده می‌شود. نظام حکمرانی‌ای که هدف ندارد، حتی اگر فعال باشد، گرفتار روزمرگی می‌شود و جامعه‌ای که آینده‌ای قابل تصور پیش‌روی خود نمی‌بیند، سرمایه اجتماعی‌اش را آرام‌آرام از دست می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۱

برگزیده‌ها

مرز باریک رایزنی داخلی و مهندسی آمریکایی

بغداد در تنگنای فشار خارجی

۳

ارتش آمریکا با شلیک صد موشک به ۷۰ هدف داعش در سوریه انتقام گرفت

اتحاد بی‌سابقه واشنگتن و دمشق

۵

پزشکیان:

سالی چند هزار کشته در جاده‌ها قابل قبول نیست

۲

شکل‌های زندگی: درباره داستان کوتاه «کتاب زمان» از مجموعه داستان «مخلوقات غریب» نوشته حسین سناپور

کتاب‌فروشی زمان به‌مثابه یک شوک

۱۱

در گفت‌وگو با ابوالفضل بجانی، عضو انجمن جامعه‌شناسان بررسی شد

خاستگاه خشونت کلامی در ورزشگاه‌ها

۹

یادداشت

«یلدا»؛ ظهور روشنایی

جعفر رحمان‌زاده

در خزان آن صد هزاران شاخ و برگ
در هزیمت رفته در دریای مرگ
(مولانا، مثنوی، دفتر اول)

پاییز همواره در اساطیر و نزد ادیبان، حکیمان و عارفان نشانه‌ای از مرگ، عدم و نیستی به‌شمار آمده است. آن‌گونه که بهار نماد زایش و رویش خوانده می‌شود. در کتاب «از اسطوره تا تاریخ»، به باور پیشینیان آمده است: الهه نباتات به نام «دوموزی» در تابستان کشته می‌شود و به جهان مردگان کوچ می‌کند. با مرگ او خزان طبیعت آغاز و گیاهان از بین رفته، درختان بی‌برگ، جانوران یا سر در آغوش مرگ کرده یا بی‌رمق می‌شوند...

ادامه در صفحه ۵

انّا لله و انّا إلیه راجعون

باتاثرفراوان درگذشت بانوی مکرمه، سیاستمدار فرهیخته و نستوه، **سرکار خانم دکتر بروجردی** را که عمر پرثمر خویش را صرف تعالی، آگاهی و خدمت به جامعه بویژه زنان ایران نمود، به خانواده‌ی محترم و بازماندگان گرامی ایشان، همچنین به شما یاران، همفکران و همراهان صدیق آن مرحومه، صمیمانه تسلیت عرض می‌کنیم.

رجوع به صفحه ۲

انا لله و انا الیه راجعون

با خبر شدیم خواهر عزیز و درد کشیده مان **دکتر اشرف بروجردی** به دنبال سال‌ها تحمل بیماری، دعوت حق را لبیک گفته به عالم بالا شتافت. این سوگ بزرگ را به کلیه بازماندگان، دوستان، همکاران، هم فکران و بویژه همسر فداکار و فرزندان عزیزش تسلیت می‌گوییم. و برای این روح بزرگ که در تمام دوران زندگی دنیایی‌اش الگوی سخت‌کوشی، خدمت، صبوری، امید، و جدیت و مداومت در کار بود، جایگاه بلند در محضر و بارگاه حضرت دوست تمنا داریم.

سید مصطفی تاج‌زاده، فخرالسادات محتشمی‌پور

نوبت دوم
سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION
«خلاصه آگهی عرضه عمومی»
شناسه آگهی ۲۰۶۸۹۶۴
رجوع به صفحه ۹
م الف ۳۳۹۲

نوبت اول
سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION
«خلاصه آگهی عرضه عمومی»
شناسه آگهی ۲۰۷۵۶۹۳
رجوع به صفحه ۹
م الف ۳۵۱۹

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹